پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره پنجم سال دوم دوشنبه ۱ ثور ۴۸- ۲۱-اپریل ۶۹، شماره مسلسل ۵۷

بارق شفیعی
مدیر مسؤول جریده توقیف شده خلق

اطلاعیه

درین اواخر بار دیگر یک عده فتنه‌گران، اجنت‌های (سیا) و عناصر مشکوک مربوط به شبکه‌های تخریبی و جواسیس ارتجاع داخلی و امپریالیزم بین‌المللی علناً ظاهر شده‌اند که در زیر ماسک‌های دروغین خلق خواهی وطن خواهی و انقلابی گری علیه جریان اصیل دموکراتیک خلق افغانستان، پرچم خلق ناشر اندیشه‌های آن و شخصیت‌های ترقی‌خواه وطن‌پرست به تخریبات، اتهامات، دسایس و حتی تهدید به ترور و دهشت افگنی دست می‌زنند.

مصالح اولیای افغانستان و پیروزی جنبش، از تمام خلق نجیب و تمام محافل روشنفکر وطن‌پرست کشور می‌طلبد که هشیاری خود را در برابر این اشخاص ماسک دار حفظ کنند و نگذارند که چنین عناصر تخریب کار، جنبش رهائی‌بخش ملی و اجتماعی کشور را (من‌جمله به‌وسیلهٔ تبلیغات زهرآگین و اتهام زدن به عناصر شریف وطن‌پرست) به شکست مواجه سازند، اتحاد و همبسته‌گی تمام اشخاص، محافل و جریانات واقعاً ملی و دموکراتیک، ترقی‌خواه وطن‌پرست را برهم زنند و مردم افغانستان را مطابق به نقشه ارتجاع از دموکراسی و آزادی دلسرد سازد.

وظیفه تمام جوانان پیشدار نهضت اعم از کارگران، محصلان و روشنفکران کشور است که ماسک‌های چنین اشخاص مخرب را برانداز‌ند، آن‌ها را با دلیری و شهامت از جریان نهضت تجرید نماید و جواب دندان شکن دهند.

زنده باد خلق و دوستان خلق آزاده افغانستان!

دست توطیه گران امپریالیست از نهضت رهایی‌بخش ملی و اجتماعی کشور ما کوتاه!

خبرتیا

پدی وروستیوختوکی بیا یو شمیر فته اچونکی د (سیا) اجنتان او په تخریبی شبکو پوری مربوط مشکوک عناصر او د داخلی ارتجاع او بین‌المللی امپریالیزم جاسوسان، علناً ظاهر شویدی چه د خلک غوښتنی، وطن غوښتنی او انقلابیگری تر دروغجن نقاب لاندی، د افغانستان د خلق دموکراتیک اصیل جریان او د خلک پرچم د هغه د دموکراتیک افکارو خپروونکی او د ترقی غوښتونکوطنپرستو شخصیتونو پر ضد، په تخریباتو، تورونو، دسیسو او حتی د ترور او دهشت غورځولو په تهدید لاس پوری کوی.

د افغانستان عالیه مصالح او د نهضت بری، د هیواد د ټولو نجیبو خلکو او ټولوطنپالو منورو محافلو څخه غوښتنه کوی چه خپله وښیلری د دی نقاب لرونکو کی وساتی او پری نږدی چه دا تخریبکاره عناصر، د هیواد ملی او اجتماعی آزادی بخشونکی نهضت (من‌جمله د زهرجنو تبلیغاتو او په شریفوطن‌ارستو عناصرو باندی د اتهام په وسیله) له ماتی سره مخامخ کاندی او د ټولو اشخاصو، د واقعا ملی، دموکراتیکو، ترقی غوښتونکواوطنپالونکو محافلو او جریانانو اتحاد او پیوستون ویجاړ کړی او د افغانستان خلک – د ارتجاع له نقشی سره سم – له دموکراسی او آزادی نه زړه تورن کاندی.

په نهضت کی د هیواد د ترمختلونکو ټولو زلمیانو، اعم له کارګرانو، محصلانو او منورینو، وظیفه ده چه د دغسی مخربو اشخاصو نقابونه وغورځوی، هغوی په زورټیا او شهامت له نهضت نه ګوښی کاندی او خوله ماتونکی خواب ورکړی.

ژوندی دی وی خلق او د افغانستان د آزاده خلکو دوستانو!

زمونږ د هیواد د ملی اوږو اجتماعی آزادی بخشونکی نهضت نه دی، د امپریالیستو توطیه ګرانو لاس اندوی!

پرچم، ناشر اندیشه‌های

جریان دموکراتیک خلق افغانستان است!

تجربیات جریان‌های پیشاهنگ عصر ما نماینده این حقیقت انکار ناپذیر است که وقتی پای ضرورت ایجاد و تا سیس سازمان واحد سیاسی طبقه کارگر و پخش ایدیولوژی پیشرو آن بمیان آید، نشر مطبوعات یکی از بهترین وسایل ترویج و تبلیغ آن بشمار می‌رود، که بدون تردید تأسیس یک جریده مبارزه سیا سی برای سر تا سر کشور، نخستین قدم اساسی در راه تا مین این آرمان ارجمند محسوب می‌شود.

با درک دقیق این اصل مسلم علمی بود که سه سال قبل »پیشروان و مبارزان دموکراتیک خلق بعد از انفاذ فرمان تقنینی مطبوعات تصمیم بر آن گرفتند تا به‌منظور بیداری شعور اجتماعی و نجات خلق‌های مظلوم افغانستان از زیر ستم طبقات و محافل حاکمه و همبستگی محافل مترقی از حیث تشکیلاتی و ایدیولوژی از طریق تأسیس جریده سیاسی برای سراسر افغانستان آ غاز به فعالیت کنند و نخستین کام عملی در راه ایجاد سازمان بردارند.- ببرک (کارمل) مقاله وسایل و راه‌هایی که آرمان‌های خلق‌های ستمدیده افغانستان و مرام دموکراتیک خلق را به پیروزی می‌رساند در شماره‌های ۳، ۴ و ۵ جریده خلق .«-

همان بود که جریان دموکراتیک خلق توانست در اثر تصمیم دستجمعی و اقدام بهنگام و با استفاده از ارزش‌های دموکراتیک قانون مطبوعات کشور، امتیاز نشراتی جریده خلق (ناشر افکار دموکراتیک خلق) را به دست آورده. وظایف تاریخی این جریده در نخستین قسمت مقاله فوق‌الذکر (وسایل و راه‌ها ...) چنین توضیح گردید.

-»تشریح، تعمیم، تبلیغ، ترویج مرام دموکراتیک خلق که در شماری اول و دوم جریده خلق وسیعاً انتشار یافت.

- نشر و تبلیغ تئوری و جهان‌بینی علمی که سلاح نجات خلق‌های زحمتکش و معرف مبارزه طبقاتی بشمار می‌رود و سیستم یکپارچه و موزونی از مجموعه نظریات فلسفی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را تشکیل می‌دهد، - انعکاس »رنج‌های بیکران خلق‌های ستمدیده افغانستان « و افشای زور گویان و ستمگران طبقات حاکمه و نمایندگان مدافع آن‌ها که بالای خلق‌های کشور جبر و ستم می‌نمایند،

- نشرات به‌منظور بیداری شعور طبقاتی، سیاسی و اجتماعی خلق‌ها جریده خلق از همه اول‌تر و عمده‌تر وظیفه اساسی خود می‌داند که من‌حیث یک رشته اساسی اتصال، با حسن نیت و طبق اصول علمی و احتراز از خرده کاری تمام نیروهای ترقی‌خواه دموکراتیک، تمام وطن‌پرستان و فرزندان صدیق وطن و باشهامت‌ترین مدافعان منافع خلق‌های ستمکش و محروم را در یک جریان و یک سازمان سیاسی دموکراتیک خلق متشکل سازد وسیله وحدت سازمان از حیث ایدیولوژی باشد و از حیث تشکیلاتی عموم محافل و سازمان‌های همفکر را قانوناً در یک سازمان بر اساس اتحاد عمل و مرام دموکراتیک

(ص ۲)

فراکسیون پارلمان دموکراتیک خلق افغانستان از تشکیل آزاد احزاب سیاسی و پایین آوردن سن شمول در احزاب از سن (۲۵) به سن (۲۰) دفاع کرد

قانون احزاب در اجلاس گذشته شوری تصویب گردیده و غرض طی مراحل کامل قانونی آن به توشیح سپرده شده. ولی از آنجایی که مدتی سپری گردید و این قانون نتوانست مراحل کامل قانونی خود را طی نماید.

اخیراً در اثر پیشنهاد عده‌یی از وکلا در ولسی‌جرگه جهت پایین آوردن سن شمول به احزاب از سن ۲۵ به ۲۰ مطرح بحث مجلس قرار گرفت و نظرات مختلفی در زمینه ابراز گردید. لیکن این مسأله به‌عنوان آنکه تا کنون از توشیح نگذشته با اکثریت آراء وکلا از اجندای مباحث ولسی‌جرگه بیرون کشیده شده‌اند.

فراکسیون پارلمانی دموکراتیک خلق افغانستان حین طرح مسأله در ولسی‌جرگه یکبار دیگر ضمن بیانیه‌یی نقاط نظر خود را در زمینه چنین تصریح کرد: به آقایان وکلایی که وجود احزاب را در کشور رد می‌کنند خاطر نشان می‌گردد که تا طبقات مختلف اجتماعی در یک جامعه موجود باشند، وجود احزاب امر حتمی و ضروری است اعم ازین که کسی بخواهد و یا نخواهد. اداره فردی مانع تشکیل آزاد احزاب سیاسی که از طبقات مختلف اجتماعی نمایندگی می‌کند، شده نمی‌تواند. همچنان در نظام دموکراسی وجود احزاب یک ضرورت است. زیرا بدون محتوی و بدون مفهوم خواهد بود. روی این حقیقت سر سخت بود که واضعین قانون اساسی بعد از سال‌ها استبداد در کشور مجبور گردیدند در ماده ۳۶ – این قانون احزاب سیاسی را مجاز گردانند. لذا کسانی که تشکیل آزاد احزاب سیاسی را در افغانستان رد می‌نمایند. هم مخالف شناخت علمی جامعه، هم مخالف اصل دموکراسی وهم مخالف قانون اساسی و منافع ملی افغانستان حرف می‌زنند و در حقیقت از استبداد و ارتجاع نمایندگی و دفاع می‌کنند.

راجع به سن شمول در احزاب باید یاد آور شد که علی رغم تصمیم ناشیانه اکثریت اعضا ء مجلس، ما قبلاً نیز در اجلاس گذشته ضمن توضیحات مفصل مطابق به منافع مردم افغانستان و مطابق به آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و مطابق به اصل دموکراسی، بین سن ۱۸ و ۲۰ را سن قانونی شمول در احزاب اعلام کرده‌ایم. زیرا هر گاه سن ۲۵ را شرط شمول در احزاب قبول کنیم در حقیقت صدها هزار جوان کارگر، دهقان، محصل و روشنفکر وطن را که بین سن ۲۰ و ۲۵ زندگی می‌کنند و نیروی فعال جامعه بشمار می‌روند، از حقوق مسلم دموکراتیک شان محروم کرده‌ایم که البته این طرز تفکر را جدا محکوم می‌سازیم.

لذا ما تایید و پشتیبانی جدی خود را از ین پیشنهاد که باید شرط سن شمول در احزاب از ۲۵ به ۲۰ پایین آورده شود اعلام می‌داریم.

به مناسبت نود و نهمین سال روز تولد لنین:

لـنـیـن

دوست گرانمایه ملت افغانستان

سوم ثور ۱۳۴۷ (۲۳ – اپریل ۱۹۶۹) نود و نه از تولد ولادمیر ایلیچ لنین می‌گذرد و در اپریل سال ۱۹۷۰ صدمین سالروز تولد لنین فرامی‌رسد. خلق، حزب و دولت اتحاد شوری و تمام زحمتکشان جهان صدمین سالروز تولد لنین را به‌مثابه جشن بزرگ بین‌المللی تدارک می‌بینند.

امسال که به‌پیشواز صدمین سالروز تولد لنین ترتیبات بزرگی از طرف دولت اتحاد شوروی گرفته می‌شود، با تجلیل باشکوه پنجاهمین سال روابط دوستی بین افغانستان و اتحاد شوروی مصادف است.

لنین که بزرگترین دوست مشرق و ملت ما بود، نخستین انسان گران‌مایه‌ای است که پنجاه سال قبل همزمان با قیام ملی خلق ما به خاطر آزادی و استقلال، در 27 ماه می سال 1919 در پیام خود به رییس دولت افغانستان چنین نوشت: «ضمن دریافت اولین پیام ملت آزاد و مستقل افغانستان به ملت روس با تعجیل درود خود را از طرف دولت کارگران و دهقانان و تمام ملت روس متقابلاً به ملت آزاد و مستقل افغانستان که قهرمانانه در مقابل برده داران بیگانه از آزادی و استقلال خویش دفاع می‌کنند می‌فرستم. ...»

لنین نه تنها دوست بزرگ ملل شرق و ملت ما، مدافع صلح و عدالت و ترویج دهندهٔ دوستی میان ملل جهان بود، بلکه نام لنین به‌مثابه تیوریسنی نابغه و بزرگترین رهبر انقلاب زحمتکشان و تحول سوسیالیستی، بنیادگذار و رهبر حزب پیشاهنگ طبقه کارگر و نخستین دولت سوسیالیستی جهان (دولت شورای کارگران و دهقانان) ثبت تاریخ است.

تعالیم لنین در باره امپریالیزم، به‌مثابه آخرین مرحله سرمایه‌داری، در باره حزب تیپ جدید، انقلاب سوسیالیستی، حاکمیت زحمتکشان و اشکال گوناگون آن، در باره دموکراسی سوسیالیستی، اتحاد طبقه کارگر با دهقانان و زحمتکشان دیگر، در باره مسأله ملی و مسأله ارضی، در باره طریق ساختمان جامعه سوسیالیستی نقش عظیم و قاطعی در جنبش رهایی‌بخش جهان ایفا کرده است.

لنین در باره آزادی زحمتکشان (که اکثریت عظیم نفوس جهان را تشکیل می‌دهند) می‌گفت که آزادی برای زحمتکشان بیش از همه عبارت است از آزادی از استثمار، آزادی از ستم اجتماعی و سیاسی و ملی و آزادی از تاریکی و جهالت. لنین می‌آورد که بر مسأله آزادی باید به‌طور مشخص و از نظر تاریخی برخورد شود: آزادی برای کی و برای کدام طبقه؟ آزادی از چه و آزادی در چه؟

برای کشور ما شخصیت بزرگ لنین از این جهت هم گرامی است که لنین به حیث نخستین رهبر کشور نوبنیاد اتحاد شوروی، مقدم از همه ملل جهان آزادی و استقلال کشور ما را به رسمیت شناخت و دوست بزرگ افغانستان و بنیادگذار سیاست نوع جدید صلح‌جویانه و دوستانه فی ما بین افغان – شوروی بود. چنانچه از آن تاریخ تا کنون که پنجاه سال می‌گذرد دوستی و همکاری خلل ناپذیر و تمربخش خلق دلیر و آزادهٔ افغانستان و خلق و کشور صلح‌دوست اتحاد شوروی بسط و توسعه یافته است.

مبارزات پیگر و قانونی

داوطلبان شمول به پوهنتون به پیروزی رسید

سال جدید بنا بر پالیسی اختناق معارف، برای فارغ‌التحصیلان وطن‌پرست صنوف ۱۲ لیسه‌های مرکز ولایات با افسردگی و سرنوشت تاریک آغاز گردید و عدهٔ قابل ملاحظه‌یی از ایشان در اثر سیستم غیرعادلانه و تبعیضی کانکور، به شیوه تفاول امریکایی، بی سرنوشت باقی ماندند. اصلاً وزارت معارف تجربه سال گذشته را در نظر نگرفته و حداقل ترتیبات را برای سال موجود اتخاذ نکرد، تا مسأله فارغ‌التحصیلان لیسه‌ها حل گردد. واقعیت جان‌گداز اینست که در جامعه بیمار ما، در جامعه‌یی که هنوز پنجه‌های خونین استعمار فرهنگی در آن ریشه دارد، در جامعه‌یی که فرهنگ ملاکی در آن مسلط است، در جامعه طبقاتی ما در آخرین تحلیل زیادترین امتیازات، من‌جمله تحصیلات عالی‌تر در انحصار طبقات مرفه‌الحال قرار دارد و عملاً عدهٔ بی‌شماری از فرزندان بااستعداد طبقات محروم و اطرافی کشور مجال تحصیلات عالی را ندارند.

تأسف آور است، در کشوری ۱۶ میلیونی ما برای رشد و انکشاف سریع آن به پرسونل فنی و اداری دارای تحصیلات عالی و مسلکی احتیاج مبرم وجود دارد، هزاران فارغ‌التحصیل مکاتب، بیکار و آواره می‌گردند. خجالت آور است که مجموع تمام تعداد محصلان پوهنتون کابل به شمول پولی تخنیک و پوهنځی طب ننگرهار به پنج هزار نفر نمی‌رسد، در حالی که تنها روی احصاییه دولت هم اکنون افغانستان برای رشد عادی خود در حدود ۳۱ هزار پرسونل فنی و متخصصین دارای تحصیلات عالی و اختصاصی نیازمند است، ولی مقامات حاکمه افغانستان بنا بر فساد دستگاه اداری دولت و پالیسی‌های نادرست و کندی رشد اقتصادی و اجتماعی داد از «مازاد »فارغ‌التحصیل می‌زنند. خنده‌آور است، وزارت معارف ادعا دارد که آهنگ رشد معارف سریع‌تر از رشد معیوب اقتصادی کشور می‌باشد. ما به‌صراحت اعلام می‌داریم که مقامات حاکمه افغانستان قصداً و علی‌رغم منافع عالیهٔ ملی کشور و اصل پیشرفت سریع جامعه در برابر رشد و توسعه معارف و جلوگیری از رشد استعداد جوانان دست به کار شکنی‌های مشهودی می‌زنند که نمونهٔ مشخص آن سرگردانی و بلاتکلیفی عدهٔ زیادی از فارغ‌التحصیلان پر استعداد لیسه‌های مرکز ولایات کشور می‌باشند.

یک عده از جوانان بااستعداد که آرزوی تحصیلات عالی را داشتند، در برابر قیودی که مانع ادامهٔ تحصیلات شان می‌گردد، از خود دلیرانه مقاومت نشان داده، میتینگ‌هایی را در صحن پوهنتون تشکیل کرده و دست به تظاهرات قانونی و مسالمت‌آمیز زدند.

آنان در اثر مبارزات جدی، پیگیر و

(ص ۴)

رفقا، دوستان، آزادی‌خواهان، وطن‌پرستان، تمام گروه‌های ملی و دموکراتیک! علیه تفرقه جویان، نفاق افگنان، فتنه گران و اخلال گران در درون نهضت مبارزه کنید، ماهیت آن‌ها را تشخیص دهید، آن‌ها را از صفوف مبارزه رهایی‌بخش ملی و اجتماعی کشور خارج سازید و اتحاد و همبستگی صفوف خود را تأمین کنید!

چـــه بـــایـــد کـــرد؟

باید وضع موجود را از میان برداشت!

یکی از مسایل بسیار حاد و مهم در جنبش کنونی جامعهٔ ما عبارتست از حرف زدن نیروهای مترقی و چپ (زیر نام تیوری پیشرو) به زبان‌های مختلف وجود خصلت مرحله کودکی، خرده گیری و خرده کاری و محفل بازی که اختلافات به‌سویه جهانی آن را به‌صورت روزافزونی تشدید می‌نماید.

اصطلاحات رویزیونیزم معاصر، سازشکاری و ابن‌الوقتی، سوسیال امپریالیزم، و غیره و غیره همه شعارهای مود روز است که بی مسؤولیت و کاملاً بی‌مورد وسیعاً در جریان مبارزات روزمره در مباحثات و تبلیغات از طرف عناصر و محافل به‌اصطلاح مترقی علیه نیروی اصیل انقلابی به کار برده می‌شود و ارتجاع و امپریالیزم از آن‌ها به نفع خود بهره برداری می‌کنند. این شعارها به‌قدری پرطمطراق در همه جا، در تظاهرات و میتینگ‌ها و اعتصابات، بدون دقت و سنجش و ناشیانه تکرار می‌شود که ترس آن می‌رود خلق کشور ما به جریانات پیشرو ترقی‌خواه به نظر شک و تردید بنگرند و در نتیجه به‌طور کلی ایدیولوژی طبقه کارگر (سوسیالیزم علمی) در افکار عامه خلق خدشه‌دار گردد. هم اکنون در میان مردم و روشنفکران کشور این جمله تکرار می‌شود که «مطلب نباید به این سادگی باشد! »زیرا آن‌ها هنوز به کهنه اختلافات موجود، بین جریانات مترقی پی نبرده‌اند. منافع طبقه کارگر و تمام خلق زحمتکش کشور ایجاب می‌کند که به این وضع خاتمه داده شده و پا به مرحله نوین جنبش گذاشته شود. البته نباید از نظر دور داشت که کشمکش بین جریانات مختلف در زمینه ایدیولوژی سوسیالیزم در کشور ما، در این مرحله یک پدید منحصر به فرد نیست، بلکه «قانون عام »کشورهای مشابه به افغانستان می‌باشد. ولی این مسأله به معنی آن نیست که هیچگاه (و حتی هرچه زودتر) به این مرحله پایان داده نشود.

این مطلب بر همه کس معلوم است که متأسفانه آتش مبارزه بین جریانات چپ جهان برافروخته شده است. ولی سؤال در این جاست که آیا نیروهای ترقی‌خواه افغانستان وظیفه دارند که آتش افروزی کنند و در این آتش روغن بیاندازند و یا این که من‌حیث وظیفه و مسؤولیت، مطابق به شرایط خاص کشور سعی کنند که بر مبنای اصول و احکام جهان‌بینی علمی، نخست در وضع موجود، در چهار چوب ملی اختلافات خود را حل نمایند و از بروز اختلافات غیراصولی و هلاکت بار و بی‌مورد در داخل کشور جلوگیری نمایند. عقل سلیم حکم می‌کند که باید حداقل شایستهٔگی و بلوغ خود را در جنبش رهایی‌بخش ملی و اجتماعی کشور بدون دستور و فرمان کدام مقام خارجی نشان داد. تا بتوان به جرأت و به شایستهٔگی وظایف خود را مطابق به تیوری علمی پیشرو در عرصه ملی و بین‌المللی ایفا کرد.

باید در نظر داشت که در جنبش کنونی جامعه ما به‌صورت روزافزون جوانان به‌طور عموم به‌سوی سوسیالیزم گرایش پیدا می‌نمایند، ولی به‌صورت گروه‌های مختلف و متشکل از اعضای نامتجانس متأسفانه عوض این که این نیروهای پیشدار در زیر یک پرچم واحد و برای مبارزه با دشمن مشترک پیرامون هم جمع شوند، لبهٔ تیز مبارزه را علیه یکدیگر به کار می‌برند. این امر یکی از مسایل عمده و حاد جنبش ماست که به‌صورت آشکار ارتجاع و امپریالیزم از آن به سودی خود بهره برداری می‌کنند. لذا باید به حکم وظیفه مترقی و منافع عالیه خلق کشور به این وضع پایان بخشید.

نکته دیگر این که باید هرچه زودتر جنبش را از تقلید بنده‌وار... و از آن‌هم بدتر میمون وار و فرمان‌برداری مستقیم و غیرمستقیم از «اوامر نسخه دهندگان انقلاب» آزاد ساخت و به آن‌ها اجازه نداد که در امور داخلی جریانات پیشرو افغانستان، چون فرماندهان نظامی مداخله کنند و خصومت بی‌مورد و افتراق مصنوعی را در میان نیروهای ترقی خواه افغانستان دامن زنند. این آقایان اجازه دهند (!) که نیروهای ترقی‌خواه کشور خود بر مبنای اصول و احکام جهان‌بینی علمی و انطباق آن در شرایط مشخص افغانستان و بر اساس تجربه جریانات اصیل پیشاهنگ دیگر ملل جهان و تجربه خود راه نجات خلق رنجدیده کشور را جستجو کنند و بر مبنای سؤال «چه باید کرد؟ » مسایل حاد جنبش رهایی‌بخش ملی و اجتماعی خود را در مرحله کنونی حل نمایند.

متأسفانه اکنون عده‌یی از جوانان کشور ما ناآگاهانه به بهانه «آزادی انتقاد »که قصه طبل میان خالی را به یاد می‌آورد، جز فحش و دشنام و نعره بازی دیگر کاری ندارند.

بنا بر آن ایجاب می‌نماید که باید در شیوه مبارزه بر مبنای تیوری علمی انقلاب و انطباق خلاق آن در شرایط جامعه تغییراتی به وجود آید و راه‌های حل اختلاف میان نیروهای مترقی و پیشرو کشور جستجو گردد و شرایط لازم وحدت و اتحاد این نیروها آماده شود.

نکته مهم این‌ست که وقتی ما اصل وحدت و اتحاد میان نیروهای پیشرو را مطرح می‌سازیم، هیچگاه مطلوب ما جمع‌بندی پرنسیپ‌های متناقض به شیوه التقاطی، «پرنسب فروشی» و «گذشت‌های ایدیولوژیک و تیوریک» بوده نمی‌تواند؛ زیرا قبول این امر به‌مثابه تسلیم شدن به ایدیولوژی بورژوازی و خیانت به اصول جهان‌بینی علمی است. از آنجایی که در شرایط کشور ما هنوز غیر از جریان رشد یابنده ترقی‌خواه پیشرو دموکراتیک خلق افغانستان، یک عده محافل و گروه‌های دیگر مترقی نیز هستند و هنوز حساب‌های‌شان را از لحاظ بلند پروازی‌های شخصی، انحراف راست و «چپ» تصفیه نکرده‌اند، لذا نمی‌توان انتقاد و مبارزه را در زمینه تکتیک و تیوری از میان برداشت. ولی نکته مهم در این‌ست که باید انتقاد سلیم و اصولی بوده و مبارزه در چوکات احکام جهان‌بینی علمی (نه بر اساس فحش، اتهام و دشنام) صورت گیرد. این درست است که «پیش از آن که متحد شویم و برای آن که متحد گردیم ابتدأ به‌طور قطعی و صریح لازم است خط فاصلی بین خود قرار دهیم» ولی به هر حال نباید این «خط فاصل» بر اساس اراده فردی به‌صورت مصنوعی و میکانیکی چون «دیوار چین» کشیده شود و امکانات هرگونه مفاهمه دوستانه و رفیقانه از میان برود و بازهم علی‌رغم اصول تیوری پیشرو مبارزه آشتی پذیر عمداً و قصداً به مبارزه آشتی ناپذیر، آن‌هم بنا بر حکم آمرانه ... و توأم با دروغ بافی و دسیسه تبدیل گردد.

واقعیت این‌ست که یکی از مسایل دیگر حاد نیروهای پیشرو کشور ما در جنبش رهایی‌بخش ملی و اجتماعی در پهلوی فقر کرکتر توده‌یی، فقیر تیوری است. اینک در شرایط کنونی وطن ما افغانستان وظیفه اساسی سیاسی و سازمانی ماست تا همه خلق را از یوغ انواع و اشکال مختلف ستم‌ها نجات دهیم، یک مسأله آشکار است. ولی نباید از یاد برد که «نقش مبارزه پیشرو را تنها حزبی می‌تواند بازی کند که تیوری پیشرو رهبر آن باشد .» متأسفانه باید اذعان کرد که یکی از عوامل هرج و مرج فکری و سنگ اندازی در میان نیروهای ترقی‌خواه پیشرو کشور ما در وضع کنونی، همانا فقر تیوری است. باید هر چه زودتر به‌خصوص روشنفکران مترقی ما در ضمن تجدید تربیت خویش توجه خود را در ردیف مبارزه سیاسی و اقتصادی بیشتر و عمیق‌تر به تیوری پیشرو معطوف سازند، تا به زبان یکدیگر آشنا گردند. زیرا اقلاً تا الفبای واحد مبارزه مترقی آموخته نشود چطور می‌توان حرف یکدیگر را درک کرد و از مرض ساده کردن مسایل و پدیده‌ها و خرده‌گیری‌های کین توزانه نجات یافت.

تیوری پیشرو کسانی را که صرفاً و به‌صورت جامد بدون پیوند عمل با تیوری به دنبال اشکال کاملاً محدود فعالیت عملی می‌روند و آن را با چند شعار پر از فحش و دشنام مود شده هم آغوش می‌کنند و در منجلاب اپورتونیزم چپ و یا راست می‌لغزند، محکوم ساخته است.

باید خاطرنشان ساخت که برای زحمتکشان افغانستان آزمایش‌های بی‌نهایت مشکل در پیش است. در اغلب کشورهای مشابه افغانستان اقلاً کارگران و پیشاهنگ آن مراحل کودکی، محفل بازی و خرده کاری‌های مختلف را سپری نموده و در حصارهای دژ ارتجاع نفوذ کرده‌اند. ولی ما تاکنون حتی با دیوارهای قلعه ارتجاع فاصله زیاد داریم. به همین جهت است که باید جنبش مترقی را که در مرحله ابتدایی خود است، با عزم و انرژی بی‌دریغ مبارزه، با سلاح تیوریک و پراکتیک مجهز بسازیم تا بتوانیم خود را سزاوار و شایسته واقعاً یک جریان مترقی پیشرو صدیق در عرصه ملی و بین‌المللی نشان دهیم.

مسأله دیگری حاد در جنبش مترقی همانا عدم تأمین تناسب دیالکتیکی میان جنبش خود به خودی کارگران و دیگر طبقات و اقشار دموکراتیک و گروه‌های پراگنده و تجرید شده است، که عده‌یی عملاً به شیوه «اکونومیست‌ها» به نقش عناصر آگاه در جنبش دموکراتیک و کارگری، به نقش سازمان‌دهی و فهم سوسیالیستی و نقش تیوری سوسیالیستی کم بها می‌دهند و بیشتر به عناصر ابژکتیف یا خود به خودی تکامل می‌چسپند، عده‌یی دیگری بدون در نظر گرفتن شرایط عینی و باز هم عجب‌تر و بدعت آمیزتر این که بدون در نظر گرفتن عملاً رهبری طبقه کارگر و رشد و تکامل سازمان سیاسی پیشاهنگ آن، به‌وسیله گروه‌های کوچک دارای سنین بسیار جوان شاگردان و محصلان، آن‌هم در میان غلاف و تجرید شده از توده‌های وسیع خلق، نهایی‌ترین شعارهای انقلابی گری را توأم با نعره‌های «مرده باد...، ما انقلاب سرخ و خونین می‌خواهیم! ما فرزندان صدیق رنجبران، خلق‌ها و توده‌های و طبقات پایین هستیم... »قهرمانانه (!) ایراد می‌دارند. عجب است که سانسورچی‌های ارتجاع و پولیس دستگاه چرا پیروزمندانه لبخند می‌زنند! آقایان جالب توجه است (!) و قهرمانان (!) که مستقیماً و شخصاً مربوط به طبقات حاکمه افغانستان- اعم از ملاک و فیودال، مشران قبیله، ارباب زاده، میرزاده، تاجر بزرگ دلال کمپرادور و یا مأموران عالی‌رتبه دولت افغانستان در داخل و خارج و صاحبان کرسی‌های حساس دولتی و تشبثات خصوصی بوده‌اند، از همه بیشتر داد از فرزندان صدیق خلق‌ها و توده‌ها و زحمتکشان می‌زنند و با داشتن ثروت‌های فراوان و استثمار دهقانان زحمتکش و سوابق درخشان (!) خویش دیگران را محکوم به طبقات حاکمه می‌نمایند. این آقایان از گذشت اصولی سؤاستفاده کرده بیوگرافی‌های جعلی برای خود تدارک می‌بینند و خاک را بر لب مالیده خود را پرولتر و زحمتکش جا می‌زنند. به هر حال اشاره ما به این موضوع هیچگاه دلیل بر آن نیست که این آقایان بنا بر سوابق کار و طبقاتی خویش در نظام فیودالی و دستگاه دولت افغانستان حق ندارند که رشته طبقاتی خود را بگسلند و به ایدیولوژی طبقه کارگر بگرایند. بالعکس هرگاه ما به این حقیقت که در هر شرایط یک فیصدی معین از نماینده‌گان دانشور طبقات دارا و روشنفکران بورژوازی می‌توانند به جنبش رهایی‌بخش اجتماعی و سوسیالیستی بپیوندند، انکار کنیم، در واقعیت علی رغم اصول خلاق «چه باید کرد» به منجلاب فلسفه اپورتونیستی لغزیده‌ایم. زیرا به‌صراحت خاطر نشان گردیده است که آگاهی دموکراتیک و سوسیالیسم در کارگران «اصولاً نمی‌توانست وجود داشته باشد. این آگاهی را فقط از خارج (مطلب خارج از کارگران است. نویسنده) ممکن بود وارد کرد. تاریخ تمام کشورها گواهی می‌دهد که طبقه کارگر با قوای خود منحصراً می‌تواند آگاهی تردیونیونستی حاصل نماید، یعنی اعتقاد حاصل کند که باید تشکیل اتحادیه بدهد، بر ضد کارفرمایان مبارزه کند و دولت را مجبور به صدور قوانینی نماید که برای کارگران لازم است و غیره. ولی آموزش سوسیالیزم از آن تیوری‌های فلسفی، تاریخی و اقتصادی نشو نما یافته است که نماینده‌گان دانشور طبقات دارا و روشنفکران تتبع نموده‌اند. خود... موجدین سوسیالیسم علمی معاصر نیز از لحاظ موقعیت اجتماعی خود در زمرهٔ روشنفکران بورژوازی بودند.» می‌بینید آقایان! این اصول مترقی است که ربان تهییج و قلم تبلیغ ما را در باره ماهیت طبقاتی و سوابق شما و تشریح بیوگرافی واقعی شما بسته است. وگرنه طوری که شما به غلط بر ما اتهام می‌زنید، ما نیز می‌توانیم خرده کاری نماییم و با دلایل مستند و حقایق مشهود جای سالمی برای تان باقی نگذاریم! ولی چه باید کرد که اصول و اخلاق عالیه مبارزه مترقی به ما اتخاذ چنین شیوه‌یی را اجازه نمی‌دهد!

(باقی دارد)

از (ص اول)

پرچم، ناشر اندیشه های ...

خلق متحد گرداند و جهان‌بینی علمی را در عرصهٔ مبارزات سیاسی وطن محبوب ما افغانستان مورد عمل قرار دهد.

برای تحقق این مرام نماینده‌گان و خبر نگاران و توزیع کننده‌گان جریده خلق وظایف سنگینی را ازلحاظ مراکز جذب و قدرت سازمانی به عهده خواهند داشت زیرا مبنی بر اصلی، جریده خلق نه تنها باید تبلیغ کننده دسته جمعی و بیدار کننده دسته جمعی توده‌های مردم باشد بلکه همچنین تشکیل دهنده دسته جمعی پیشاهنگ خلق‌های زحمتکش یعنی دموکراتیک خلق نیز باشد.«

بر اساس این اصول علمی که با در نظر گرفتن اوضاع و احوال سه سال قبل مبارزه در کشور، بر مبنای تئوری پیشرو طرح گردیده بود، اکثریت قاطع نویسنده‌گان جریده (خلق) که امروزه نگارنده‌گان دایمی جریده مبارزه پرچم ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان را تشکیل می‌دهند (ببرک (کارمل)، دستگیر پنجشیری نور احمد وکیل پنجوایی و مدیر مسؤول جریده خلق بارق شفیعی) مقالات و آثاری تهیه و به نشر سپردند.

متأسفانه جریده (خلق) در اثر دسیسه ارتجاع، به‌صورت غیرقانونی و غیر دموکراتیک و مخا لف ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی به شکل توطیه آمیز و علی رغم دفاع مستد ل، قانونی و علمی فراکسیون دموکراتیک خلق در ولسی‌جرگه، توقیف گردید و توانست بیش از (۶) شماره، خدمات ارزنده خویش را در جهت تحقق هدف‌های رهایی بخش ملی و اجتماعی خلق افغانستان، با ساس مرام نجات بخش دموکراتیک خلق و بر مبنای جهان‌بینی علمی دنبال نمایند.

توقیف غیرقانونی جریده (خلق) و عدم محاکمه علنی و قانونی این‌جانب (مدیر مسئول آن) که قانوناً یگان مسؤول و مدافع نشرات آن می‌باشم، هیچگاه و برای یک لحظه هم مانع آن نگردید که پیشاهنگان دلیر و مبارزان سر سپرده اکثریت اصولی جریان دموکراتیک خلق افغانستان در راه بد ست آوردن ارگان جدیدی برای این سازمان پیشاهنگ طبقه کارگر کشور سعی کنند و در این زمینه دست اندر کار مبارزه پیگیر و استوار شوند.

روشن است: آنچه به نفع خلق و به تایید خلق و مطابق به اوضاع و احوال مبارزه و نهضت و با استفاده اصولی و دقیق و حسابی از شرایط، وسایل و منافذ قانونی، بشدت و به‌صورت پیگیر تعقیب شود، امکان آن وجود دارد که قدرت‌های حاکمه وادار به عقب نشینی گردند. روی این امکان بود که دستگاه حاکمه کشور نیز بالاخره در برابر مبارزات جدی و پیگیر جریان دموکراتیک خلق افغانستان و موضع‌گیری قاطع و اصولی و بهنگام فراکسیون پارلمانی آن و فشار افکار عامه مردم، مجبور شد در پهلوی دوازده جریده و روز نامه غیردولتی دیگر، به نشر جریده‌یی به‌عنوان (پرچم) ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان تن در دهد. چنانکه در طلیعه بهار سال گذشته (۱۳۴۷) نخستین شماری ارگان جدید جریان پیشاهنگ طبقه کارگر کشور انتشار یافت و پرچم اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان در فضای آرزوهای در خشان خلق‌های ستمدیده وطن محبوب ما، در اهتزاز در آ مد.

پرچم، ناشر اندیشه‌های جریان دموکراتیک خلق افغانستان و مدافع سر سخت و باشهامت منافع خلق‌های محروم کشور، در طول حیات کوتاه مطبوعات خویش، در طرف بیشتر از یک سال گذشته به‌خوبی توانست مشی نشراتی جریان دموکراتیک خلق افغانستان را که در شماره سوم جریده خلق مقاله (وسایل و راه‌ها...) توسط ببرک (کارمل) فورمولبندی شده بود، با پیروی دقیق و استوار از اصول جهان بینی علمی و تحلیل اوضاع و شرایط مشخص عینی و ذهنی، ملی و بین‌المللی کشور و با استفاده از ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی افغانستان، پیوسته و همگام با سیر نهضت رهای بخش ملی و اجتماعی داخلی و خارجی و با تدبیر و پیگیری بی‌سابقه‌ای انکشاف دهد و در پیشاپیش جنبش، نقش رهبری کنند ه و سازمان دهنده با هوشیاری و درایت کامل ایفا نماید.

پرچم خلق، در عمر کوتاه گذشته خویش توانست در زمینه‌های اساسی مبارزه خدمات درخشانی را انجام دهد به شکل فشرده فورمولبندی شده، در مواد آتی خلاصه می‌شود. تبلیغ ترویج، تعمیم و تشریح اصول و مفردات مرامی دموکراتیک خلق افغانستان، نشر خطا مشی عمومی و جاری (مشی استراتژیک و تاکتیکی) جریان دموکراتیک خلق افغانستان، نشر و پخشی جهان‌بینی علمی، تئوری مترقی و اندیشه‌های پیشرو عصر ما، انعکاسی رنج‌های عظیم خلق‌های زحمتکشی افغانستان، خدمت به امری بیداری شعور سیاسی اجتماعی خلق، ایجاد روحیه شور شوق مبارزه در میان خلق افشای ارتجاع داخلی و امپریالیزم بین‌المللی، تحلیل کلی تیوریک جامعه افغانستان از لحاظ اجتماعی اقتصادی، فرهنگی، طبقاتی و ملی، ایجاد تسهیلات در امور سازمان‌دهی، انعکاس دردها، آرمان‌ها خواست‌ها و مطالباتی طبقه جوان کارگر کشور و سایر زحمتکشان، پشتیبانی و دفاع وسیع و همه جانبه از نهضت‌های کارگری و جوانان کشور و جهان، پشتیبانی از کمک‌های اقتصادی و تخنیکی کشورهایی صلح‌دوست و مترقی و پیشاهنگ آن، دفاع از جنبش‌های آ زادی بخش ملی و مترقی و جنبش آزادی بخش ملی و پشتونستان و بلوچستان، و هم چنان جریده پرچم خلق، این نشریه کار گری کشور توانست وظیفه مبارزه ایدیولوژیک، دفاع از اصول جریانات و جنبش‌های ملی و مترقی و کارگری را به‌درستی انجام دهد.

از یکسو افشاگری‌ها تخریبات فتنه‌انگیزها اشاعه اندیشه زهرآگین عناصر ماجرا جوی چپ نما را که علیه نهضت‌های اصیل مترقی جهان صلح و دموکراسی و کشورهایی صلح‌دوست و بخصوص ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان صورت می‌گرفت، به‌موقع و پیوسته خنثی سازد و از جانب دیگر ماهیت نشرات ارتجاعی دستوری طبقات حاکمه مرتجعین داخلی و خارجی را افشا و تأثیرات آن را تضمین نمایند. با این همه، آنانی که می‌خواهند با تلاش‌های مذبوحانه، پرچم خلق را از (خلق) جدا جلوه دهند، جز اینکه با خلع سلاح کردن خلق افغانستان از لحاظ ایدیولوژیک و سازمانی به خدمت استبداد ارتجاع و امپریالیزم این دشمنان کهنه کار امر یمن صفت خلق کمر بسته باشند و در راه رشد و تکامل این جریان مترقی سنگ اندازی کنند، ماهیت دیگری ندارند، و نتیجه عمل شان همان است که ارتجاع و امپریالیزم و سگ‌های زنجیری، ایشان انتظار می‌برند.

پرچم، به‌عنوان ناشر اندیشه‌های جریان دموکراتیک خلق افغانستان و ملکیت شخصی، کسی نیست و صاحب امتیاز آن (سلیمان لایق) نیز هر کر چنین ادعای را نکرده و هم کرده نمی‌تواند، بنا بر آن تمام افراد و حلقه‌های ترقی‌خواه دیگر که به مرام دموکراتیک خلق افغانستان و اصول علمی مبارزه آن، به خاطر به پیروزی رسانیدن مبارزات رهایی بخشی ملی و اجتماعی خلق‌های ستمدیده کشوری‌مان و احترام داشته باشند، نیز می‌توانند پرچم خلق را مدافع نظرات و مبارزات خویش قبول کنند و با اعتماد کامل به دور آن گرد آیند و برای بر آوردن آرمان‌های عالیه خلق کارگر کشور، در جهت تأمین استقلال کامل ملی آزادی دموکراسی صلح، ترقی اجتماعی و رفاه همگانی متحدانه مبارزه نمایند.

یادداشت:

آنچه قابل یادآوری است همانا ادعای مالکیت شخصی بناغلی محترم »صاحب امتیاز، جریده خلق آن‌هم در پناه صورت قانون مطبوعاتی افغانستان است، که ما در این زمینه دعوایی نداریم و بدان احترام می‌گذاریم.

آرشیو تاریخ معاصر افغانستان

گډ دشمن او گډ سنګر

ښاغلی گ.د. له صنعتی بغلان نه د پرچم په عنوان لیکلی دی: «اوس چه در شوری د دیارلسمی دوری د انتخاباتو موده رالنډه شویده، له بده مرغه د گران وطن شرایط داسی دی چه بیا هماغه پخوانی لیوان موقع پیدا کړی او خلکو ته دامونه وغوړوی، وعدو او پیسو، ډوډۍ گانو او رشوتو د وکالت د نیولو له پاره بیا سر راپورته کړی او د ځمکو او پیسو خاوندان لګیدی دلته او هلته تلکونه ږدی

باید دا خبره هیڅکله هیره نشی چه له اوسنیو ډیرو محدودو آزادیو څخه تر هر چا د مخه محلی متنفذین، خوانین او د ځمکو، پیسو او شتمنی خاوندان زیاته استفاده کولای شی، دا ځکه چه مونږ د بزګرو طبقه او نور غریب خلک لا تر اوسه پوری په ذهنی لحاظ (البته تر اوسنیو شرایط لاندی) وروسته پاتی ساتل شویدی او د هغوی لپاره دا تشخیص مشکل دی چه خپل دوستان او خپل دښمنان سم وپیژنی، دا واقعیت دی چه له تر اوسه پوری د وطن د بزګرانو قاطع اکثریت د خانانو، ملکانو او بروکراتانو تر نفوذ لاندی دی او په انتخاباتو کی د هغوی ملاتړ کوی. البته دا تریخ واقعیت چه د شوری اکثریت به د افغانستان په اوسنیو شرایطو کی بیاهم د فیوډالیزم او د هغه د حامیانو لاس ته ورځی، د پوهیدو ړ دی. خو دا ډیر بد احتمال دی چه د زیار ایستونکو مدافع کاندیدان له سره ونشی کولای چه حتی یو کوچنی (اقلیت) هم پارلمان ته واستوی.

له اوسنیو سیاسی شخړونه بیا په تیره وطن د مترقی فکره عناصرو او ټولنو تر مینځ له اوسنیو بی‌اتفاقیو نه دا معلومیږی چه د وطن زیارایستونکی به ونشی کولای چه حتی هغه نسبی اقلیت کوم چه پارلمان ته یی د افغانستان په اوسنی عینی و او ذهنی زمینه کی، د راتلو امکان شته دی، کامیاب کاندی. د منورینو تر مینځ اوسنی سیاسی اختلاف دا ښیی چه حتی د کاندید د مودی تبلیغات به هم شنډه، کمزوروی او بدنامه شی. دا اختلاف که څه هم تاسواو نور، هره توجیه د هغو په باره کی ولری، خو کله چه یو بل پسی خولی خلاصی کړی هغه خلک چه یو نسبی تنور لری او اوسنیو زلمیانو ته خوشبین دی، لار ورکه کاندی او مجبور شی چه یا لاس تر زنی کینی او یا هم هغو پخوانیو لیوانو ته تن کیږدی.

که څوک دا هیله ولری چه کنځلی او تورونو ټپل به ګته ور ورسوی، په غلط فهمی کی واقع شویدی.

که څوک رښتیا دا هیله ولری چه خلکو ته دی مفید واقع شی، باید هغه لاره غوره کړی چه خلک یی خوښوی او د هغوی له غوښتنو سره برابره وی. باید اوسنی نفاق له مینځه ورک شی. باید مفاهمه او حوصله، ګذشت او صبر په نظر کی ونیول شی، باید د افغانستان د خلکو عالی اخلاقی معیار او د هغوی ضرورت یوه شیبه هم هیر نشی. باید ټول وطنپالونکی جریانونه دا ډ ابته کاندی چه دوی کولای شی د وطن او خلکو د نجات په خاطر پخپلو خاصو سیاسی ګټو باندی پښه کیږدی، او سره نږدی شی. خلک تل دا پښتنه کوی چه ولی دا سیاسی جریانونه پخپلو کی یو د بل مړی ته لویدلی دی؟ دا وضعه په خلکو کی د سیاسی جریانونو حیثیت او مستقل ته سخته صدمه رسوی.

زمونږ هیله دا ده چه ژر تر ژره دی د افغانستان د خلکو په ګټه دا بی اتفاقی او بی ثمره جنجالونه پای ته ورسیږی او د شریک دښمن په مقابل کی دی شریک سنګر جوړ شی. او که داسی ونشی هیڅ خوا به له دی هرج او مرج نه ګټه وانخلی او د افغانستان خلک به آعتماد پی باندی ونکړی. خلک به عاقبت خپله لار وموسی مګر تاریخ به هغه کسان او ډلی و نه بخښی چه د خلکو په ګټه مساعد شرایط یی د ځانګړی ګټی له پاره تباه کړی او برباد کړی وی.

قانون شکنی و استبداد

آزادی و حقوق مردم درهٔ صوف را زیر پا نموده است

به جریدهٔ پرچم، ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق!

لطفاً اعتراض این‌جانب را بر قانون شکنان ادارات دولتی، صاحب رسوخان و فیودالان محلی نشر نموده و به این وسیله فریاد یک دهقان مظلوم را انعکاس دهید.

پدر من که هشتاد و پنج سال عمر دارد، در اثر عرق ریزی‌های طولانی سی و پنج سال قبل چند جریب زمین للمی را خریداری کرد، چندی قبل یکی از ثروتمندان محل بدان چشم دوخت و آن را تحت دوسیه و دعوی آورد.

داستان زمین را می‌گذاریم سر جایش، می‌آییم به اجراآت ولسوال صاحب محل. به تاریخ (۱۴) حمل ولسوال درهٔ صوف به خاطر این که همین دهقان (۸۵) ساله را مجبور به انصراف از حقوقش نموده باشد، او را خلاف دساتیر قانون و بدون فیصله کدام محکمه با صلاحیت و یا ارجاع قضیه به محکمه، تحت شرایط بسیار ناگوار در اتاق‌های مرطوب محبوس نموده و بیچاره بدون بستر و کالا روزها در آنجا باقی ماند. اسپ پاکش او نیز تا مطلع شدن من، مدت سه روز بدون علوفه بسته ماند.

ولسوال که یک شخص بسیار سالخورده و دارای شیوهٔ تفکر کهنه است، برایش مشکل است درک نماید که رعایت قانون عمده‌ترین وظیفه اوست. او هنوز این را نمی‌داند که بعد از ایجاد قانون اساسی اخیر کشور و تفکیک قوا، صلاحیت‌های وی توسط قوانین تحدید و تعیین شده است. او نمی‌داند و هرگز نمی‌پذیرد که این اجراآتش خلاف مادهٔ (۲۹) قانون اساسی و مادهٔ (۲۹۸) اجراآت حقوقی و مادهٔ (۲۶) قانون اساسی و مادهٔ (۱۰) اجراآت توقیفی می‌باشد. او نمی‌داند که نباید در دعاوی حقوقی به مجازات و زندان دست بزند. او نمی‌داند که مرجع دعاوی و محل حل و فصل آن محاکم عدلی است، نه دفتر ولسوال‌ها و ادارهٔ شخصی ایشان.

از این جهت است که با روش ظالمانه و حتی تبعیضی خودش پدر من و ده‌ها هموطن دیگر را مورد مجازات غیرقانونی و اهانت قرار می‌دهد و از روش‌های مستبدانهٔ دیروزه پیروی می‌کند.

از عمل او بر می‌آید که وی مصؤنیت قانونی افراد را نمی‌شناسد و بدان اعتنا ندارد.

به این مناسبت من اعتراض شدید خود را بر مقامات مربوطه وارد می‌کنم و تقاضا می‌نمایم تا مردم مظلوم و بی‌دفاع و دهقانان ما را از زیر ضربات مستبدانهٔ این‌گونه اداره‌چیان ظالم رهایی بخشند و گلیم این کهنه کاران را که هرگز زیر نفوذ و حدود قانون نمی‌آیند، برچینند.

من از مقامات مربوطه می‌خواهم تا برای حفظ حیثیت پدر موسفید و دهقان من و ده‌ها مظلوم دیگر این حاکمان ظالم را با زنجیر قانون مهار نمایند.

اسد الله دهقان زاده از درهٔ صوف

دردها، شکایتها و اعتراضات خلق

ریاست‌های تصفیه املاک یا درد بی‌درمان دیگری بر پیکر خلق

مردم بر مالیات غیرعادلانهٔ اراضی اعتراض می‌کنند

با وجود ضعف بنیه مالی کشور، دولت در اثر تمایل و اعمال نفوذ یک عده بروکراتان منفعت جو، ظاهراً به‌عنوان تصفیه امور املاکی به تشکیل ریاست تصفیه املاک دست زد. یعنی با وصفی که در هر ولایت تشکیلات طویل و عریضی به نام محاکم عدلی، مستوفیت‌ها و ادارات املاکی وجود داشت، ریاست‌های تصفیه املاک را با تشکیلات تازه، مصارف موتر و تیل و ... منظور و ایجاد کردند. تقریباً در مدت ده سالی که این ریاست‌ها به وجود آمده است، دیگر کسی نپرسید که این ریاست‌ها چه کارهایی را انجام داده و چه سهولت‌هایی را در کار دولت و مسایل خلق زحمتکش به میان آورده‌اند، چه مقدار اراضی دولت را از کام اژدهای زمین گیر برون کرده است و چه مبلغ مالیاتی را بر متصرفات بی سند زمین داران بزرگ وضع نموده‌اند؟

این تشکیلات نه تنها گرهی از مشکل خلق نگشوده، بلکه گره بر گره او افزوده و دام بر دام دیگر چیده است. به‌طور مثال در ولایت سابقه قطغن در سال ۱۳۳۳ دولت تصمیم گرفت تا زمین‌هایی را که از زمان‌های گذشته به‌صورت خرابه‌ها، جنگل زارها و باتلاق‌ها باقی مانده و در قید مالکیت اشخاص نمی‌باشد برای مردم بی‌زمین و نادار فی نفر (۲۰) جریب، از قرار فی جریب (۱۰) افغانی فروخته شود، تا از طرفی خرابه‌ها آباد و از جانبی مالیات دولت تقویه شود. همان بود که دهقانان بی‌زمین و زحمتکشان نادار از هر گوشه و کنار رو به‌سوی این زمین‌ها آورده و هر چیزی از جنس و مال در اختیار داشتند فروختند و در کار آباد کردن زمین مصرف نمودند، حتی عده‌یی نسبت شرایط نامساعد محیطی و فقر بسیار شدید تلفات جانی وحشتناکی را متحمل شدند – اما وقتی که جبه‌ها و نیزارها آباد شد، زمین‌های وحشی حال داد و طبیعت باغی از برکت نیروی بازوی زحمتکشان سر ملایمت گرفت، بیروکراتان بی‌رحم نیرنگ‌ها ریختند و قیمت اراضی آباد شده را از فی جریب (۱۰) افغانی به (۵۰۰) افغانی بالا بردند و پول را تحت تحصیل گرفتند. ولی ریاست‌های تصفیه املاک گل تازیی به آب دادند، به این معنی که به تایید از زمین داران بزرگ، اکثر این اراضی آباد شده را به بهانه‌های گوناگون تحت دعاوی ملاکان ستمگر قرار دادند و در قضا یا به ضرر زحمتکشان و به نفع فیودالان و ملاکان موضع‌گیری کردند. نتیجه چنان شد که عدهٔ کثیری از زحمتکشان که شیرهٔ جان شان در راه آبادی خرابه‌ها خشکیده بود، دوباره آواره شوند و آشیانه‌های فقیرانه خود را از دست بدهند. زمین‌های آباد دوباره به زمین‌های بایر تبدیل گردند. مالیات پا در هوا بماند – سیرها سیرتر شوند و گرسنه‌گان گرسنه‌تر.

این بود شیمهٔ کوچکی از نتایج کار ریاست تصفیهٔ املاک وزارت مالیه که چون درد بی‌درمانی بر پیکر خلق نجیب و زحمتکش کشور ما چسپیده اند.

و اما راجع به مالیت اراضی باید گفت: که هرگز این مالیات عادلانه نبوده غالباً به نفع طبقات ستمگر و ملاکان بزرگ مطابقت می‌کند. در بعضی مناطق که مردم حد اکثر ده جریب زمین زراعتی دارند و غالباً زمین‌های شان سفیده کاری، یک فصله باغی می‌باشد، مالیهٔ اراضی از فی جریب (۴۰) افغانی الی فی جریب (۵۰) افغانی می‌باشد، اما در مناطق دیگری که زمین‌های دو فصله و خیلی حال خیز در اختیار ملاکین بزرگ قرار دارد، مالیه اراضی از فی جریب (۱۰) افغانی الی (۲۰) افغانی می‌باشد در بعضی از مناطق املاک بسیار وسیعی به تمسک کدام فرمان مشکوک که به چند قرن قبل تعلق دارد و همچنان به استناد بعضی اسناد زمان ملوک‌الطوایفی (تسلط میرها) اراضی بسیار وسیعی مثلاً شمالا محدود به فلان کوه و جنوباً به فلان دریا، تحت دعوی ملاکان بزرگ واقع شده و به این وسایل دشت‌ها، چراگاه‌ها و حتی جنگلات و کوه‌ها در تصرف این ستمگران درآمده و بدون تادیه حتی یک پول مالیه مورد استفاده آنان قرار دارد. در حالی که در همین مناطق صدها فامیل دهقان در فقر کشنده و شرایط بسیار دشوار زندگی می‌کنند.

مردم به شدت آرزو می‌برند که ملکیت‌های اراضی غیرقانونی و غیر مشروع که از راه دستبرد و حیله و غارت به دست آمده مصادره گردد و اصلاحات ارضی به نفع دهقانان صورت گیرد.

مردم می‌گویند: به دوسیه سازی‌های جعلی املاکی که به همکاری ریاست‌های تصفیه به نفع ملاکان بزرگ ترتیب می‌شود خاتمه دهید.

مردم بر مالیات غیرعادلانه ارضی اعتراض می‌کنند.

غلام دستگیر یوسف زایی
از ولسوالی خان آباد

بنونځی دی که دکان؟

مونږ دلته د لوګر د زرغون‌ښار د علی خیلو په سیمه کی د نجونو یو کلیوالی ښونځی لرو. دا ښونځی خپل زدهکونکی له دریم ټولګی نه فارغوی. زما لور هم سږ کال له همدی ښونځی نه فارغه شویده. له بده مرغه ددی ښونځی زیادتره فارغانی داسی بیسواده او ناپوه دی چه لکه هیڅ ښونځی ته نه وی تللی.

ما له خپلی لور نه د هغی د درسونو پوښتنه وکړه خو هغه خوارکی بالکل نه پی پوهیده، کله چه می له هغی نه د ناپوهی علت وپوښته، هغی وویل چه: مونږ ته زمونږ «کفتان »درس راکوی او مونږ خو ښونکی نلرو. زمونږ معلم صاحب خو پخپل دکان کی وی. هغه د توتو په وخت کی، د توتو د خورلو لپاره ښونځی ته راځی، په نوروختو کی ډیر نه راځی.

زما یوه بله لور چه یدی ښونځی کی ده، اوس اکثر ښونځی ته نه ځی، کله چه مونږ پوښتنه وکړو، هغه وایی چه معلم صاحب هم نه راځی او مونږ ته هم څوک څه نه وایی.

د ماشومو نجلیو ساده توضیحات واقعیت لری، ښاغلی ښوونکی د یوه ملک زوی دی، هم دکانداری کوی، هم معلمی او هم یی خپل کور په همدی ښونځی باندی کرایه کړیدی.

مونږ له معلم صاحب سره حساب نه کوو، زمونږ د خبرو مخه د یوهنی وزارت او د کلیو د پراختیا ریاست ته ده، مونږ حق لرو له دی مراجعو څخه پوښتنه وکړو چه دوی ولی د هیواد د بچیانو په روزنه او تعلیم باندی توجه نه کوی اولی د هیواد له دی اساسی مسألی سره بی علاقی پاتی شویدی.

مونږ نشو کولای د خپل اولاد له مستقبل او سرنوشت سره بی علاقی پاته شو او پدی برخه کی خپل مسوولیت هیر کړو.

مونږ له همدی کبله په مربوطو مراجعو اعتراض کوو او پدی برخه کی یی مسؤول بولو.

مونږ په لوړه وایو چه د افغانستان د خلکو ایسی دی په داسی مواردو کی بیځایه نه خرڅیږی.

ع. ب

بزګران لوټ کیږی

دنیا له افسانونه ډکه ده، خو زمونږ د هیواد واقعی پیښی او حوادث دومره حیرانونکی دی چه ته به وایی دا هم خیالی افسانی دی اواقعیت به نلری.

د وطن زوی که هر څومره لمن راټوله کړی او ګوښی شی بیا هم ژبه نشی تړلای او مجبوریږی چه دی دردونکو پیښو ته ګوته ونیسی، دا وطنی ماموریت دی او د وطن نه سړی سترګی نشی پټولای.

خوار بزګر د فیوډالانو تر استعمار لاندی ډوب شو. لوړی او رنځ یی ګریوان ته لاس واچاوه، په کور کی یی هر څه خلاص شوه او د هغی شدو ته کیناستل.

د کور میرمنی بزګر ته مشوره ورکړه چه غوا بنار ته بوزی، خرڅه یی کړی او ماشومانو ته څه خرڅی اوړه رانیسی.

خوارکی بزګر غوا ترمخ کړه، کړی ورځ یی منزل راوواهه او مابنامی د (سپین بولدک) په علاقه کی د خپل پیر ځای ته راورسیده، دلته یی د شپی تیرولو خیال درلود. سبا به یی بیا د بنار لاره وهله.

اجل نیولی بزګر پداسی حال کی د پیر صاحب ځای ته راورسیده چه هغه هلته د خیلو مریدانو په یوه ډله کی ناست وو. ځنګه چه یی سترګی په بدمرغ مرید ولویدی، په ډیر شوق یی مریدانو ته مخ واړاوه اوی ویل: تاسی خو دی بزګر اخلاص وګوری چه څنګه زما په ضرورت پوه شویدی او لنګه غوا یی را ترمخ کړیده. پلنی خانه سترې مشی، دا خو دی عجب کرامت کړیدی چه زما په ضرورت پوه شوی. زمونږ غوا وی ټولی وچی شویدی. دا وخت یی خپل یوه مزدور ته امر وکړ چه غوا سمدستی کور ته ننه باسه او تازه وابنه ورواچوه.

خوار بزګر هلته د مریدانو په حلقه کی هک او پک کیناست او له شرمه یی دا نشویلای چه غوا می خرڅلاو ته راوستی ده. په زړه یی د غمونو نالان ګډ شو او سب یی د وخته تش لاس بیرته کور ته لاړ. خو کله چه د ده میرمن په حقیقت پوه شوه، لکه د اور لمبه د آغا صاحب د کور په لور وخوځیده او هغه ډیر په غوا باندی ټینګ شو، خو هغی میرمنی غوږ ورته ونه نیو او غوایی په مخ ورانه کړه.

دا دی د ځینو استعمارګرو عناصرو د ژوند واقعیت چه په تزویر او حیله یی د خلکو له پاکو احساساتو څخه استفاده کړیده او کوی یی.

محمد اکبر اڅکزی.

حیات شاگردان مکتب نسوان خان آباد در معرض خطر است

در شماره (۴۹) سال گذشتهٔ پرچم، شکایت از طرف متعلمات مکتب نسوان خان آباد نشر شده بود. در آن شکایت تذکر رفته بود که عمارت مکتب به علت کهنگی و فرسوده گی تحت خطر سقوط قرار گرفته و احتمال غالب می‌رود که باعث حادثهٔ خونین و مرگ المناک و ناگهانی یک عده از دختران شود. علاوتاً مقابل دروازه مکتب یکی از متنفذان محلی کافه یی ساخته است که در آنجا اشخاص بیکار و مزاحم می‌نشینند و باعث ایجاد بی‌نزاکتی‌هایی در برابر متعلمات می‌گردند. آن تذکر پرچم صرف این‌قدر تأثیر وارد کرد که اولیای امور معارف اینجا درب مکتب را از مقابل رستوران به سمت شمال مکتب نقل دادند وضع از بد، بدتر شد، زیرا قبلاً متعلمات تنها از قبال رستوران عبور می‌کردند و اکنون می‌باید از مقابل محبس و رستوران هر دو عبور نمایند.

از پرچم ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق تقاضا می‌کنیم یکبار دیگر آواز ما را بلند نموده و ابلاغ نماید که از سقف و دیوارهای اکثر صنوف مکتب نسوان خان آباد خاک و توته‌های چوب می‌ریزد و بسیار احتمال دارد که روزی این دیوارها و سقف‌های شکسته حیات عده‌یی از شاگردان این مکتب را از بین ببرد.

ما یکبار دیگر به خاطر حفظ جان شاگردان و جلب توجه معارف و رفع مسؤولیت از خود، این یادداشت را سپردیم و به آهنگ بلند می‌گویم که «جان متعلمان نسوان خان آباد در خطر است!»

پیغله.ا. از خان آباد

پرچم

د افغانستان د خلک دموکراتیک ګوند ارګان خپرونکی

اول ثور ۱۳۴۸

جریان دموکراتیک خلق افغانستان نه تنها مخالف جدی سنگ اندازی در راه پیشرفت گروه‌های واقعاً ملی و دموکراتیک، ترقی‌خواه وطن‌پرست می‌باشد، بلکه از صمیم قلب در نظر و عمل خواهان آنست که دوش به دوش این گروه‌ها، در یک جبهه مشترک، به جهت اهداف مشترک ملی و دموکراتیک به‌پیش برود.
ولی هرگاه کسی بخواهد که در راه رشد و تکامل جریان دموکراتیک خلق افغانستان، در راه نبرد پر افتخار طبقه کارگر افغانستان، در راه جنبش رهایی‌بخش ملی و اجتماعی وطن ما سنگ اندازی کند، در برابر آن، در چهار چوب اصول و اخلاق مترقی دلیرانه مبارزه خواهیم کرد!

در سراسر هفته گذشته هزاران شاگرد لیسه های مرکز به خاطر پشتیبانی

از خواست‌های صنفی شاگردان لیسه نجات دست به تظاهرات زدند

در سر تا سر هفته گذشته هر روز هزاران شاگرد لیسه های مرکز (کابل) به خاطر اظهار همبستگی و همدردی با شاگردان لیسه نجات به تظاهرات دامنه‌داری دست زدند. تظاهر کنندگان عناصر اخلال گر و تخریب کار را که در جریان میتینگ‌ها و تظاهرات تفتین و تلاش می‌کردند تا مظاهرات را از مسیر اصلی آن برون کشند و برای حمله پولیس بهانه دهند، افشأ نموده، فعالیت‌های ایشان را خنثی و از صفوف خویش خارج ساختند. این عده مبلغین خرابکار مربوط به ارتجاع داخلی، و دیگر شبکه‌های جاسوسی امپریالیستی جدا از تظاهرات و نهضت حسب دستور در بعضی از گوشه‌های شهر به تخریبات و تبلیغات زهرآگین پرداختند.

مطالبات و خواست‌های صنفی شاگردان لیسه نجات که در بیانیه‌ها و قطعنامه‌های آنان اظهار گردید، مورد پشتیبانی هزارها جوان و شاگردان (لیسه‌ها) قرار گرفت.

در قطعنامه شاگردان لیسه نجات در پایان مظاهره روز ۲۷ حمل گفته می‌شود که:

ما شاگردان لیسه نجات به‌منظور برآورده شدن خواست‌های خویش و علیه روش خصمانه معلمان آلمان فدرال در برابر شاگردان، سیستم درسی و امتحانات غیرعادلانه، معارف استعماری و ارتجاعی دست به اعتصاب و تظاهر زده و قطعنامه‌ای را قبلاً درین مورد به مقامات وزارت معارف تسلیم داده‌ایم، ولی مقامات مربوط نه تنها عمل مثبتی را درین زمینه انجام نداده، بلکه دست به اقدام غیرقانونی و تحریک آمیز زندانی کردن یک تعداد از همصنفان ما نیز زده‌اند.

بنا بر آن در برابر این اعمال ضد قانونی و خودسرانه اعتراض می‌نماییم و جداً می‌خواهیم:

- همصنفان توقیف شده ما هرچه زودتر آزاد گردند.
- وزارت معارف خواست‌های قانونی ما را که طی قطعنامه اول به آن وزارت سپرده شده است، برآورده سازد.

شاگردان لیسه نجات از تمام شاگردان و جوانانی که به‌عنوان همدردی و همبستگی بدون هیچگونه استفاده جویی با آن‌ها همنوایی کرده‌اند، سپاسگزاری نموده و اعمال تخریب آمیز عناصر اخلال گر و عمال فتنه گر و نفاق افگن ارتجاع و شبکه‌های جاسوسی امپریالیستی را تقبیح و محکوم کردند.

در جریان تظاهرات شاگردان شعار می‌دادند که:

- به سیستم معارف استعماری در افغانستان خاتمه داده شود!
- ما فرهنگ معارف ملی و مترقی می‌خواهیم!
- نابود باد فرهنگ ارتجاعی و استعماری!
- مرگ بر ارتجاع و استبداد!

مسأله امنیت اروپا اول‌تر از همه

یک مسأله صلح است

ریماند شمتلاین سیاست مدار برجسته و عضو اسامبله ملی فرانسه به نماینده آژانس نووستی اظهار داشت که: «امنیت اروپا یک پرابلم مبرم است که باید در مرکز توجه سیاست مداران تمام کشورهای قاره ما باشد، از همین جاست که مسأله امنیت در اروپا، اول‌تر از همه یک مسأله صلح است.

جنرال دوگول می‌گوید: علت این که تا هنوز امنیت اروپا تأمین نشده است، نتیجه فقدان اعتماد می‌باشد. بعضی از دول اروپا دلایل کافی برای اعتماد کردن بالای آلمان غرب ندارند. برای فقدان این اعتماد دلایل کافی وجود دارد؛ به‌طور مثال از روش منفی جمهوری فدرال آلمان در برابر سرحد اودر-نیس، می‌تواند نام برد. موصوف مزیداً گفت:

«سیاست آلمان غرب یک منبع خطر و منبع انتقام جویی را به جود می‌آورد که باعث انفجار در اروپا خواهد شد.»

او گفت: یکی از مهمترین شرایط برای امنیت اروپا در موافقت نزدیک بین فرانسه و اتحاد شوروی می‌باشد که با سنن تاریخی مطابقت دارد. من معتقدم که درس تاریخی به مردم شوروی و فرانسه نشانداد که بهتر است با هم یکجا باشند تا جدا.»

در اخیر، شمتلاین در ضمن تماس به درخواست دول عضو پیمان وارسا گفت: «من باور دارم که درخواست بوداپست یک درخواست مثبت است.» باید اروپا بداند که خطر از کدام سو تهدید می‌نماید. طوری که معلوم است فرانسه از سازمان نظامی ناتو خارج شد، بدین معنی که ما دوستان آن سازمان نیستیم، اروپا باید به طریقی متحد شود که چنان سیستمی از صلح را به وجود آورد که از طرف هیچکس تخریب شده نتواند.

امریکا در ویتنام جنوبی

مصروف آدمکشی است

«نیویارک تایمز »راپوری را توسط نماینده خود از ویتنام جنوبی انتشار داده است. در راپور مذکور بار دیگر نشان داده شده که ایالات متحده امریکا به شکستاندن مقاومت وطن‌پرستان در ویتنام جنوبی مصروف آدم کشی می‌باشد.

نماینده نیویارک تایمز از نواحی شمال دلتای میکانگ، جایی که عساکر امریکایی و دست نشاندگان سیگونی از دو سال به این طرف بیهوده مصروف «عملیات پاک کردن »این منطقه از وجود گوریلاها می‌باشند، بازدید نموده است.

نماینده نیویارک تایمز در راپور ارسالی خود اعتراف می‌نماید که فرقه نمبر ۹ پیاده امریکا که در منطقه عملیات می‌نماید، روزانه کم از کم صد نفر از افراد بی‌گناه را به قتل می‌رساند. و ساحات وسیعی را هدف بمباران طیاره و توپچی قرار می‌دهد. ولی شیوه‌های وحشیانه جنگ برای متجاوزین پیروزی بار نیاورده است. وطن‌پرستان مانند گذشته قسمت اعظم ناحیه دلتای میکانگ را با 2 ملیون نفوس آن، با خود دارند و معنویات آن‌ها بلند است.

مظاهرات و اعتصابات

نیویارک:

در شهرهای بزرگ و پر جمعیت امریکا مظاهراتی بر ضد جنگ ویتنام صورت گرفت. در هوستن محصلین شعار می‌دادند: »نکسن! جنگ ظالمانه ویتنام را بس کن!« در تظاهرات ستانفورت یک نفر استاد پوهنتون در سخنرانی خویش سیاست حکومت امریکا را شدیداً مورد انتقاد قرار داده گفت: «جنگ ویتنام افتاد، اعتبار و حیثیت امریکا را شدیداً لکه‌دار ساخته است.»

همچنان محصلین (۱۵۶) پوهنځی مختلف طی نامه‌یی به نکسن، از نامبرده تقاضا نموده‌اند تا امریکا جنگ ظالمانه ویتنام را قطع کند.

محصلین در نامه خود به نکسن می‌نویسند:

- ما این جنگ را یک جنگ ظالمانه می‌پنداریم؛
- مخالف خون ریزی در ویتنام می‌باشیم؛
- ما در این جنگ پلید شرکت نمی‌کنیم؛

این جنگ ضد آزادی و استقلال و ضد بشریت است.

بونس آیرس:

در ارجنتاین ده‌ها هزار کارگر دست به اعتصاب زدند. ایشان بر ضد روش غیرانسانی کارفرمایان و حکومت ارتجاعی شدیداً اعتراض می‌نمایند. کارگران خواهان بازگشت کارگران اخراج شده و ازدیاد مزد، اصلاح شرایط کار و تطبیق سیستم اقتصاد واقعاً ملی برای همه مردم می‌باشند.

در زد و خورد بین پولیس و اعتصاب کنندگان یک عده مجروح شدند.

پاریس:

فدراسیون عمومی کار فرانسه روز اول ماه می را من‌حیث روز مبارزه علیه امپریالیزم و استبداد و بالاخره به‌عنوان روز مبارزه مشترک علیه دشمن مشترک تجلیل می‌نمایند.

روم:

ایتالیا آبستن حادثات جدیدی‌ست. در حدود ۳۰۰۰۰ کارگر به طرفداری از کارگران شهر پتی پالا دست به اعتصاب زدند. کارگران فابریکه سگرت سازی شهر پتی پالا از چندی‌ست که در حالت اعتصاب به سر می‌برند.

در زد و خورد مسلحانه تن به تن که یک روز تمام بین پولیس و اعتصاب کنندگان رخ داد دو نفر از کارگران مقتول شد و در اعتصابات شهرهای مختلف ده‌ها نفر زخمی گردید.

کارگران پولیس را خلع سلاح نمودند. حکومت ایتالیا فابریکه سگرت سازی شهر پتی پالا را تعطیل نمود. کارگران در شهرهای بزرگ ایتالیا از قبیل روم، میلان و فلورانس به‌عنوان همدردی با کارگران شهر پتی پالا دست به اعتصاب زدند.

اتحادیه کارگری اعلان نموده است که اگر حکومت جلو اعمال تروریستی گروه‌های فاشیستی (پیراهن سیاهان) را بز ضد کارگران نگیرد، کارگران در برابر آن‌ها به مبارزه مسلحانه خواهند پرداخت و مسؤولیت عواقب ناشی از آن به دوش حکومت خواهد بود

(از صفحه اول)

مبارزات پیگیر و قانونی ...

معقول برای تأمین خواست قانونی، مشروع وطن‌پرستانه خویش، در حالی که نفاق افگنان و فتنه انگیزان را در صفوف خویش راه و مجال تبارز ندادند، راه شمول به پوهنتون را علی‌رغم موضع‌گیری خصمانه مقامات مسؤول حکومتی در برابر خویش گشودند. ایشان در اثر مبارزهٔ معقول خود نشان دادند که مبارزهٔ صحیح و متناسب با شرایط برون پارلمانی می‌تواند بعضاً تأثیرات خود را بر پارلمان نیز وارد کند. در اثر این شیوهٔ مبارزهٔ جوانان، ولسی‌جرگه مجبور گردید که به روز 26 حمل (با وصف این که یک تعداد ارقام درین زمینه از طرف وزارت معارف ارایه گردید که به مشکل می‌توان واقعیت آن‌ها را تأیید کرد) فیصله نماید که مانند سال گذشته نصاب شمول به پوهنتون تا نمره (۴۵) پایین بیاید و به این صورت در اثر مبارزه پیگیر و معقول خواست عده‌یی از داوطلبان شمول به پوهنتون برای امسال به‌طور نسبی منتج به نتیجه گردید، ولی آنچه مسلم است اینست که پرابلم اساسی مانند گذشته به حال خود باقیست، تا وقتی که نفوذ و تسلط استعمار فرهنگی و سیستم معارف فیودالی از جامعه ما ریشه کن نگردد و به‌جای آن یک سیستم معارف واقعاً ملی، مترقی و متوازن مورد تطبیق قرار نگیرد مشکلات ناشی از وضع موجود برای مدت‌های طولانی به حال خود باقی خواهد بود.

تصحیح: در سطر دوم مقدمهٔ مضمون (سیستم انتخاباتی) در صفحه دوم شمارهٔ گذشته جمله (باید یادآور شد که سیستم انتخاباتی کنند)، چنین خوانده شود: (سیستم انتخاباتی آگاهی کنند)

رویدادهای مهم

جهان

تجاوز طیاره جاسوسی امریکا

بر قلمرو کوریای شمالی

هنوز خاطره بحران ناشی از دستگیری کشتی جاسوسی امریکا (پویبلو) در آب‌های داخلی کوریای شمالی فراموش نشده بود، که تجاوز طیاره جاسوسی امریکا بر قلمرو کوریای شمالی و سقوط دادن آن توسط آن کشور بحران سیاسی دیگری را به وجود آورد. محافل ارتجاعی و میلیتاریستی امریکا با تمام وسایل سعی می‌ورزند تا به بهانه‌های مختلف اوضاع بحرانی شرق دور را بدین‌وسیله بحرانی‌تر سازند. افراطیون امریکا در سنا و کنگره، فابریکه داران، سرمایه‌داران بزرگ و غیره می‌گویند که باید به کوریای شمالی جواب مسلحانه داده شود. عده دیگری را عقیده بر آنست که باید کوریای شمالی بمبارد شود و هم هستند دیوانگانی که آرزوی استعمال بم اتومی را دارند.

یک جنرال امریکایی گفت:

ایالات متحده امریکا به یک ملت

نظامیگر و متعرض مبدل گردیده

جنرال شاوپ سابق قومندان قول اردوی بحری امریکا در ویتنام طی مضمون منتشره در روزنامه «دیلی میل »برتانیه اظهار نموده است که: «امریکا به یک ملت نظامی گر و متعرض مبدل گردیده و آماده است به حل نظامی پرابلم‌های سیاسی که منافع آن را تهدید نماید، دست بزند»

جنرال مذکور متعرف است که امروز نیز «دیپلوماسی کشتی جنگی» وسیعاً مورد استفاده قرار می‌گیرد. ایالات متحده امریکا بیش از یک ملیون سرباز در کشورهای دیگر دارد. ایالات متحده با ۴۸ کشور جهان قرارداد منعقد نموده است که به اساس آن می‌تواند در امور داخلی کشورهای مذکور مداخله کند.

جنرال داوید شاوپ می‌گوید که در ایالات متحده امریکا میلیتاریزم به تمام قوت خود در حالت انکشاف است «مردم امریکا نیز بیش از پیش با میلیتاریزم، بایونیفورم و آیین تفنگ خو گرفته است.»

یک گروپ متنفذ از رهبران دارای ذهنیت نظامی که توسط فابریکه داران ثروتمند و نیرومند سلاح سازی پشتیبانی می‌شوند، الهام دهندگان نظامی گری می‌باشند.

مخالفت با جنگ ویتنام

بنا به درخواست محصلین پوهنتون سدنی در حدود ۱۰۰۰ نفر از جوانان و دختران در خارج عمارت حکومت در چهار راهی مرکزی شهر اجتماع نموده تا پروتست شدید خود را علیه ادامه جنگ تجاوزکارانه در ویتنام به حکومت بسپارند. هدف عمده مظاهره بیرون کشیدن قوای آسترالیا از ویتنام، خاتمه دادن به جنگ ویتنام و امتناع از شمول در اردوی آسترالیا بود. وقتی که عده‌یی از مظاهره کنندگان خواستند حلقه محاصره پولیس را شکستانده خود را به عمارت حکومت برسانند و پروتست خود را به حکومت پیش کنند، مورد حمله پولیس واقع شدند، در حدود ۱۲۰ نفر دستگیر شد.

پیمان‌های نظامی یا منبع مشکلات

اقتصادی و عامل فقر کشورهای عضو

کشورهای عضو پیمان اتلانتیک شمالی در طول مدت ۲۰ سال گذشته ۱/۳۰۰/۰۰۰ ملیون (یک ملیون سه صد هزار ملیون) دالر مصرف امور تسلیحاتی خود نموده‌اند. این مصرف غیر تولیدی اکنون سالانه به بیش از ۱۰۰/۰۰۰ (یک‌صد هزار) ملیون دالر بالغ می‌گردد.

اکنون ناتو پلان‌های طویل‌مدتی را برای تسلیحات مزید رویدست دارد.

پیشنهاد تجدید مشاوره از طرف

اتحاد شوری

وزارت خارجه اتحاد شوروی به وزارت خارجه جمهوریت مردم چین پیشنهاد نموده است که مشاوره‌های مجدد بین نماینده‌گان حکومت شوروی و چین آغاز شود. حکومت شوروی اظهار نموده که حاضر است مشاوره‌ها به تاریخ ۱۵ اپریل در ماسکو یا هر وقت دیگری که برای طرف چین مساعد باشد، آغاز گردد.

حکومت شوروی در اعلامیه ۲۹ مارچ خود طرفداری نموده است که نماینده‌گان رسمی شوروی و چین مشاورت خود را که در ۱۹۶۴ افتتاح گردیده بود، در آینده نزدیک از سر بگیرند.

در یادداشت وزارت خارجه شوروی که به تاریخ (۱۱) اپریل از طریق سفارت چین پیش شده است، در ضمن دیگر مطالب گفته می‌شود که: در خزان ۱۹۶۴ هیأت‌های نماینده‌گی اتحاد شوروی و جمهوری مردم چین در مشاورت مشهور خود به‌طور متقابل به این تفاهم رسیدند که این مشاورات در ماسکو ادامه یابد. هیأت نماینده‌گی شوروی در آن وقت تاریخ ۱۵ اکتوبر ۱۹۶۴ را به حیث تاریخ شروع مجدد مشاورت پیشنهاد نمود، ولی نه به تاریخ پیشنهاد شده و نه به کدام تاریخ بعدی، این مشاورها ادامه پیدا کرد و این اشتباه حکومت شوروی نبود.

پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افانستان
هره دوشنبه خپریږی

دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر:
سلیمان لایق
آدرس: زرلښت مارکیټ
محمدجانخان وات. کابل- افغانستان
تیلفون: ۲۳۱۶۴

د اشتراک بیه
په کابل کښی د کال: ۱۲۵ افغانی
په ولایاتو او پښتونستان کښی د کال: ۱۴۰ افغانی
په باندنیو هیوادو کښی: ۱۵ دالر
د جاری حساب نمبر به پښتنی تجارتی بانک کښی ۳۸۵۳

د یوه گنی بیه : ۲/۵ افغانی

تایپ متن و ویرایش جدید: عمر فیض

مطبعه دولتی